

حتماً بخش عمده آن را در بر می‌گیرد؛ ۲. اقتصاد به رانت قابل توجه خارجی متکی است و لذا به بخش تولیدی داخلی قوی نیازی ندارد؛ ۳. بخش کمی از جمعیت در تولید رانت نقش دارند و بقیه فقط در توزیع یا استفاده آن مشارکت دارند؛ ۴. دولت، اصلی‌ترین دریافت‌کننده رانت خارجی و هزینه‌کننده آنست (Beblawi & Luciani, 1987: 12). همچنین «لوسیانی» تأکید دارد هر کشوری که بیش از ۴۰ درصد از درآمدهای آن ناشی از رانت و فروش مواد خام و مواد معدنی باشد، رانتیر محسوب می‌شود (Beblawi & Luciani, 1987: 13).

۲-۱. تحریم هوشمند

کاربرد «تحریم هوشمند»^۱ به دهه ۱۹۹۰ میلادی بر می‌گردد. زمانی که بسیاری از محافل سیاسی و مطالعاتی جهان در خصوص نتایج اقدامات و فجایع تحریمی عراق و اثرات نامطلوب و غیر ضروری آن روی افراد عادی حساس شده و کارایی آنها را بر اهداف واقعی که دولت‌ها و سیاستمداران متخاصم بود مورد تردید قرار دادند (Gordon, 2010: 1)؛ لذا روی اعمال مجازات‌های هوشمند با هدف ضربه زدن مستقیم به عاملان واقعی تمرکز شد. گرچه نگاه نخستین این مباحث، کاهش آلام بی‌گناهان بود، برخی نظرات و تفاسیر ابراز شده بعدی، میدان عمل وسیع‌تری را برای پیگیری‌کنندگان چنین تحریم‌هایی ایجاد کرد. به‌عنوان مثال «کامپفر»، «لوونبرگ» و «کریشنر» منطق تحریم هوشمند را درک اقتصاد سیاسی داخلی کشور هدف برای افزایش فشار و احتمال موفقیت آن ذکر می‌کنند (Kaempfer & Lowenberg 1992; Krishner 1997). «ریچارد نیوکامب»^۲ معتقد است که برای اجرای یک تحریم هوشمند موفق، همراهی و متقاعد کردن دیگر مشارکت‌کنندگان ضروری است و با توجه به فقدان تجربه دیوان‌سالاری، نهادها و ابزار لازم در کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، باید نسبت به ایجاد آنها اقدام نمود (International Studies Review 2003, 5: 107). «ریچارد نفیو»^۳ نیز یک تحریم

1. Smart / Targeted Sanction.

2. Richard Newcomb.

3. Richard Nephew.